

Developing a Model for Predicting the Social Harms (with an Emphasis on Islamic Futurology)

Mohammad Rahim Eivazi

Full Professor, Department of Political Studies, Shahed University, Tehran,
Iran, ra.eivazi@yahoo.com

Abstract

Paying attention to anticipating the social issues before they occur is an active action aimed at preventing the social harms. In a society like Iran, with an Islamic cultural context, the lack of an Islamic futurological framework for the identification of the social harms is a terrible absence of approach. Therefore, this paper aims to present an Islamic futurological framework for the identification of social harms.

This paper, using futurological methods, imaging the future, and qualifying the results of the future trends and uncertainties, is based on a qualitative approach. The descriptive data have been collected through libraries and interviews. The data show that in order to identify the factors that cause the social harms to form, the lower layers of the social realities have to be searched for the semantic, social, political, and cultural structures. The results show that any kind of the examination, findings, and evaluation of the future issues of the Islamic society of Iran and its consequences

and social harms for formulating the strategies mechanisms to face and manage these issues are at the heart of the Islamic futurological activities. Therefore, managing social harms requires the adoption of a futurological approach in an Islamic framework based on the system of planning, which has been systematically designed in the present study.

Keywords: Islamic futurology, social harm, social issue, model



ارائه‌ی مدلی برای شناخت آسیب‌های اجتماعی (با تأکید بر آینده‌پژوهی اسلامی)

محمد رحیم عیوضی

استاد تمام، گروه مطالعات سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران ra.eivazi@yahoo.com

چکیده

توجه به پیش‌بینی مسایل اجتماعی قبل از وقوع، اقدامی کنش‌گرایانه با هدف جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی است. در جامعه‌ای مانند ایران که از بافت فرهنگی اسلامی برخوردار است؛ فقدان چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی برای شناسایی مسائل و آسیب‌های اجتماعی خلأ رویکردی بزرگی محسوب می‌شود. بنابراین هدف اصلی این مقاله، ارائه‌ی چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی برای شناسایی آسیب‌های اجتماعی است. این مقاله با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهانه؛ تصویرپردازی از آینده و کیفی‌نگری نسبت به نتایج حاصل از روندها و عدم قطعیت‌های آینده مبتنی بر رویکرد کیفی است. گردآوری اطلاعات توصیفی از طریق کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای انجام شده است. داده‌ها نشان می‌دهد؛ برای شناسایی عواملی که موجب شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی می‌شوند، باید در لایه‌های زیرین واقعیت‌های اجتماعی به جستجوی ساختارهای معنایی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... پرداخت. نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد؛ هرگونه بررسی، اکتشاف و ارزیابی مسائل آینده‌ی جامعه اسلامی ایران، پیامدها و آسیب‌های اجتماعی آن در راستای تدوین راهکارها و راهبردهای مواجهه و مدیریت این مسائل در کانون فعالیت‌های آینده‌پژوهی اسلامی قرار دارد. بنابراین مدیریت

آسیب‌های اجتماعی مستلزم اتخاذ رویکردی آینده‌پژوهانه، در یک چارچوب اسلامی مبتنی بر نظام تدبیر است که در این پژوهش به شکل نظام‌مند طراحی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: آینده پژوهی اسلامی، آسیب اجتماعی، مسئله‌ی اجتماعی، الگو

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۶

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۴۱، زمستان ۱۴۰۰، صص ۸۵۹-۸۹۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسئله

۴۲ سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد و جامعه مسایل داخلی و خارجی بسیاری را تجربه کرده و اکنون برای حفظ ثبات و آرامش در دنیایی کاملاً ناپایدار و بحران‌خیز، برای ساخت آینده تلاش می‌کند. بسیاری از این مسایل، جامعه‌ی ایران را با چالش فرهنگی مواجه کرده است. در کارنامه ۴ دهه تحول، جامعه‌ی ایران با مسایل اجتماعی بسیاری مواجه شده و دستاوردهای انقلاب را تهدید نموده است. از آنجا که آینده در معرض تبدیل چالش‌های امروز به آسیب‌های فردا می‌باشد؛ لذا، باید به شناسایی آسیب‌های اجتماعی پرداخت و از زوایای مختلف آن را بررسی کرد. لایه‌های پنهان در هر جامعه، منشأ پیدایش آسیب‌های اجتماعی بوده و آینده لایه‌ی پنهان سطحی از این مشاهدات است. در همین حال، چون ساختار نظام اجتماعی در معرض تغییرات بی‌وقفه است؛ لذا هر لحظه در معرض مبتلا شدن به آسیب‌های اجتماعی قرار دارد. این در حالی است که آسیب‌های اجتماعی هم از حیث عمق، وسعت، پیامد، زمان و ... از جامعه‌ای تا جامعه دیگر متفاوت هستند. بنابراین آینده در معرض مسایل بسیاری است که باید شناسایی شوند و علاج رویدادها را قبل از وقوع پیش بینی نمایند و آینده‌پژوهان باید در این امر پیشگام باشند.

اسلام به سلامت جسم و روح توجه ویژه دارد، زیرا سلامتی جامعه را در گرو سلامتی جسم

و روح می داند و مراقبت از آن راه، مراقبت از سرمایه‌ی اجتماعی یک ملت واجب می‌داند. از طریق سلامت اجتماعی، هر جامعه‌ای می‌تواند شاداب و با نشاط به تکالیف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی عمل کند و به پیشرفت اجتماعی کمک کند. بنابراین لازم است با شناخت منابع پدیدایی آسیب‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن‌ها، آمادگی لازم و چگونگی برخورد صحیح مواجهه با آسیب‌ها را آموخت. در این مقاله تلاش می‌شود با پشتوانه پژوهش‌های اجتماعی و آینده‌پژوهانه، مدلی برای آینده‌پژوهی اسلامی آسیب‌های اجتماعی ارائه شود. لذا بررسی، اکتشاف و ارزیابی مسائل آینده آسیب‌ها و پیامدهای آن به موازات تدوین راهکارها و راهبردهای مواجهه و مدیریت این مسائل در کانون ادبیات آینده‌پژوهی قرار دارد.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش با هدف طراحی چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی برای شناسایی آسیب‌های اجتماعی آینده انجام شده و پرسش اصلی این است که، چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی برای شناسایی آسیب‌های اجتماعی آینده‌ی جامعه ایران چیست؟ در ذیل هدف اصلی تلاش شده است به نکاتی چون، شناسایی معیارهای اسلامی آینده‌پژوهی در شناخت آسیب‌های آینده، شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری مسایل اجتماعی (حال و آینده)، تعیین شاخص‌ها و ملاک‌های آسیب اجتماعی اشاره شود.

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه‌ی معرفتی موضوع مورد تحقیق، کارهای مختلفی صورت گرفته که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود. در ادامه نیز به وجه متمایز این تحقیق با کارهای انجام شده پرداخته خواهد شد.

«معیاری بر شناسایی آسیب‌ها با تأکید بر آسیب‌شناسی آینده‌مسائل اجتماعی» عنوان مقاله ای از مؤلف طرح و پژوهش حاضر است که در آن از نگاه جامعه‌شناسی موضوع آسیب‌شناسی

بحث شده و مسائل اجتماعی حلقه‌های اتصال گذشته، حال و آینده یک حیات اجتماعی محسوب می‌شوند. بر اساس این مطالعه، پیوستگی و زمان از وجوه مهم مسئله اجتماعی است و از آنجا که، مهم‌ترین مولد مسائل اجتماعی تغییرات می‌باشند؛ لذا وقوع تغییرات دائماً منجر به تولید مسائل جدیدی می‌گردد که احتمال دارد، به آسیب اجتماعی منجر شود. در واقع، وقوع تغییرات اجتماعی مولد مسائل اجتماعی خواهد شد و در صورتی که زمینه‌ی اجتماعی مساعد باشد، این مسائل در آینده عامل بروز آسیب‌های اجتماعی خواهند شد. از این نظر، مطالعه‌ی آسیب‌شناسی آینده‌ی مسائل اجتماعی بستر مهمی در آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی است، با تأکید بر اینکه برای بررسی حال، نیازمند مطالعه‌ی گذشته هستیم و جهت پیش‌بینی آینده نیز، گذشته و حال باید توأمان مورد کنکاش قرار گیرد. در تحلیل مسئله‌ی فوق در این مقاله، تغییرات اجتماعی به‌عنوان متغیر مستقل و آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته و بستر اجتماعی مساعد آینده که زمینه‌های شکل‌گیری مسائل اجتماعی نوظهور و شگفتی‌سازها خواهد بود، متغیر میانجی می‌باشد. وجه پیوستگی و عنصر زمان نیز از وجوه مهم این پژوهش به‌شمار می‌آید (عیوضی، ۱۳۹۷).

«نقش آینده‌پژوهی در کاهش آسیب‌های فرهنگی» عنوان مقاله‌ای از عباسعلی قیومی و فرشاد نادری‌نیا است که در آن به نقش آینده‌ی پژوهشی در کشف و خلق آینده‌ای بهتر در موضوع اجتماعی، مبتنی بر دانش‌محوری و فرهنگ‌سالاری پرداخته شده است. در این مقاله، امکان شناخت آسیب‌های فرهنگی، گسست‌های فرهنگی اجتماعی از قبیل گسست جنسی، سنی، مهاجرتی و طبقاتی و... با استفاده از روش آینده‌پژوهی مورد بحث قرار گرفته است (قیومی و نادری‌نیا، ۱۳۹۱).

نویسندگان مقاله‌ی «آینده‌پژوهی در مدیریت تهدیدات و آسیب‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی» نیز بر مقابله و مهار تهدیدات و آسیب‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی با تأکید بر مسائل، پدیده‌ها و معضلات آینده تأکید دارند (مطلبی، کرمی و حسینی، ۱۳۹۵).

«شناسایی عوامل و روندهای مؤثر چالش‌های اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در

۱۵ سال آینده» عنوان دیگری از کارهای پژوهشی مؤلف است که در آن اقدام به بررسی آینده پژوهانه‌ی روندها و عوامل مذکور در افق زمانی ۱۵ سال آینده‌ی ساخت اجتماعی نظام، با بهره‌گیری از روش پیمایشی، سه عدم قطعیت بحرانی؛ «افزایش فقر و تضاد طبقاتی»، «واگرایی ارزشی و هنجاری» و «افزایش آسیب‌های اجتماعی» شده است. در این مقاله، مطابق با عدم قطعیت‌های بحرانی شناسایی شده، چهار سناریوی احتمالی و ممکن ساخت اجتماعی نظام، تدوین و سپس راهبردهای نیل به سناریوی مطلوب (تعدیل و کاهش چالش‌های اجتماعی) با بهره‌گیری از روش تونل باد احصاء گردیده است (عیوضی و اینانلو، ۱۳۹۸). این در حالی است که تاکنون چند دور آینده‌نگری در روانشناسی و علوم تربیتی نیز برگزار شده است. رومی‌ر دلایل این عدم وفاق تعریفی را چنین ذکر می‌کند:

۱. رفتارها و شرایطی که مسئله‌ی اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند، بسیار تحت تأثیر قضاوت‌های ارزشی، نسبت فرهنگی و درگیری‌های سیاسی هستند.

۲. مسائل اجتماعی از مکانی به مکان دیگر و از زمانی به زمان دیگر متغیرند. به این دلیل که چون جوامع مختلف به طور متفاوتی از مسائل اجتماعی متأثر می‌شوند، ادراک و تعاریف این مسائل متفاوت خواهد بود (رومی‌ر، ۲۰۰۱: ۲).

بنابراین، توجه به یک مسئله‌ی اجتماعی نیازمند بررسی سایر مسایل است و هر جامعه‌ای بر اساس موازین و مقررات خود، آداب، رسوم، سنن، اخلاق، فرهنگ، تعلیم و تربیت و هدف‌های اجتماعی ویژه‌ای دارد که از جمله عوامل تشخیص مسائل اجتماعی می‌باشند (عیوضی، ۱۳۹۷).

نگاهی به پیشینه‌ی مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی حال و آینده نشان می‌دهد؛ تاکنون این قبیل مطالعات با آسیب‌های نظری و عملی مواجه بوده است. مطالعات موجود نشان می‌دهد؛ ظرفیت‌های کارهای انجام شده تاکنون اولاً، کمتر با دغدغه‌های آینده‌پژوهی همراه بوده و ثانیاً، در چارچوب مبانی و آموزه‌های اسلامی قرار نداشته و همین مسئله در محافل علمی، انتظارات از دین را مخدوش و مطالعات آینده به چالش کشیده شده است. لذا مرکز ثقل

آسیب‌های اجتماعی، نادیده گرفتن مبانی قرآنی و روایی و سنت‌های اصیل معصومین و سیره نبوی است که صرفاً، مستند به مبانی ارزشی آینده‌پژوهی غربی است و در برخی موضوعات و عرصه‌ها به التقاط نیز منجر شده است. چنین شرایطی به نتایج نامطلوبی خواهد رسید که به برخی اشاره می‌شود.

۱. ناتوان نشان دادن ظرفیت‌های معرفتی اسلام برای حل مسایل اجتماعی،

۲. حاشیه‌نشینی معیارهای شاخص و ضوابط و قواعد دینی در مواجهه‌ی جامعه با مسایل

اجتماعی، ناتوانی در تقویت حس اجتماعی و جایگزین‌سازی معیارهای عصر مدرن،

۳. فقدان تعریف عملیاتی روشن و واضح از رویدادها و روندهای اجتماعی ناشی از مسایل

اجتماعی،

۴. بی‌متولی ماندن بسیاری از مفاهیم کلیدی در جامعه‌ی اسلامی چون عدالت، وحدت،

معنویت، اخلاق، معیشتی و تربیت انسان اجتماعی و

۵. دولتی شدن مسایل اجتماعی و اجتماعی شدن مسایل دولتی (تعارض دو گانه سوی

مدیریت).

در این پژوهش با تأکید بر آموزه‌های اسلامی و ظرفیت‌های کاربردی آینده‌پژوهی در

حوزه‌ی مطالعاتی جامعه‌ی ایران، چارچوب نظری معرفی شده است که در نهایت به مدل

طرشت منجر خواهد شد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

مهم‌ترین مفهوم در این پژوهش، تعلیم و تربیت است. تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین

دغدغه‌های مشترک همه‌ی جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. بر همین اساس نیز، همواره

یکی از ارکان نظری فلاسفه در مکاتب مختلف، بحث پیرامون حوزه و چگونگی تعلیم و تربیت

بوده است. درباره‌ی اساس و لزوم تعلیم و تربیت بین اغلب علما توافق نسبی با تفاوت‌های نه

چندان فاحش وجود دارد؛ اما اختلاف‌ها درباره‌ی ابعاد، چگونگی و اهداف تعلیم و تربیت است.

به لحاظ مفهومی در کل، چه در نزد علمای غیرمسلمان و چه در نزد علمای مسلمان، از تعلیم و تربیت، به عنوان فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به منظور شکوفا ساختن شخص در جهت رشد و هدف تکامل فردی و اجتماعی یاد می‌شود (کاردان، ۱۳۷۸: ۳۶۶-۳۴۱).

ارسطو، متولیان تعلیم و تربیت را خانواده یا دولت و هدف را فضایل اخلاقی و مدنی معرفی می‌کند. فارابی، مسئولیت تعلیم و تربیت را متوجه فیلسوف و حکیم و هدف را کمال دنیا و آخرت می‌داند. رجوع به آرای سایر اندیشمندان اسلامی نیز، نتایج مشابهی در تبیین لزوم تعلیم و تربیت دارد که با هدف تدبیر نفس و باطن و اصلاح امور دنیوی و اخروی سفارش می‌شود. در واقع یکی از ابعاد تعلیم و تربیت اجتماعی است که دلایل آن کنترل مسائل اجتماعی و نیل به زندگی اجتماعی متعالی است. چنانچه، مفهوم دیگر این پژوهش مسائل یا آسیب‌های اجتماعی است. سیف‌اللهی مفهوم مسئله‌ی اجتماعی را این گونه بیان می‌کند: «امور و پدیده‌هایی که موجب تنش‌ها و ناسازگاری‌های اجتماعی شده و به نحوی جامعه و یا زندگی افراد جامعه را مورد تهدید و تضعیف قرار دهد» (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۴۱).

با تعاریف یاد شده، بطور منطقی استنباط می‌شود؛ برنامه‌ریزی در حوزه‌ی تعلیم و تربیت، مستلزم شناخت مسائل اجتماعی است و شناخت آینده‌ی مسائل اجتماعی و آسیب‌های آن نیز در قلمرو آینده‌پژوهی تابع چارچوب‌ها، ضوابط و قواعد علمی است تا فرایندهای پویایی را که نظم‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی را دگرگون می‌کنند، شناسایی کنند (عیوضی، ۱۳۹۱: ۲۰).

از دیدگاه آینده پژوهی؛ تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتد، درک صحیح از مسائل نوظهور و نحوه‌ی برخورد با آنها، انجام برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه مدت و پیشگیری از نتایج زیانبار رویدادهای پیش‌بینی نشده، پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته‌ی آینده، درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق آینده، تحلیل روندهای گذشته و حال به منظور شناخت مسائل بازدارنده و تجربه‌های منفی که تهدیدی برای تحولات آینده محسوب می‌شود و پدید آوردن نگرشی سیستماتیک،

منظم و منطقی به تحولات آینده از جمله اهداف مطالعات آینده‌پژوهی به شمار می‌روند (دیتور، ۱۹۹۶).

۴. روش تحقیق

حرکت مسیر در آینده‌پژوهی از گذشته آغاز می‌شود و تمامی عوامل اثرگذار بر آینده‌ی موضوع را مد نظر قرار می‌دهد. توجه به مفهوم زمان در هر بستری، نیاز به شناخت دقیق آن حوزه و موضوعات تغییر دهنده‌ی کلان آن دارد. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که می‌توان برای شناخت آینده انجام داد، شناسایی مؤلفه‌های آینده است. در این خصوص جیمز دیتور معتقد است؛ آینده از درهم کنش چهار مؤلفه پدید آمده است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: «رویدادها»، «روندها»، «تصاویر» و «اقدام‌ها» (دیتور، ۱۹۹۶). همچنین متخصصان آینده‌پژوهی در مطالعات خود با نظام مسایلی مواجه هستند که با سایر علوم تفاوت قابل تأملی دارد. این تفاوت از دو بُعد قابل بررسی است، بعد اول «بعد زمانی» و بعد دوم «میزان عدم قطعیت» است (کوسا، ۲۰۰۹).

الگوی آینده‌نگاری شولتز از جمله روش‌هایی است که با التزام به اهمیت نظام پایش، به اقدام و بازخورد در آینده‌پژوهی می‌پردازد که به اختصار مراحل آن ذکر می‌شود. مرحله‌ی نخست، تشخیص و پایش تغییر است که این مرحله، شامل ارزیابی و بررسی الگوهای تغییر در گذشته و جمع‌آوری داده‌های اساسی در خصوص وضعیت فعلی است. مرحله‌ی دوم، ملاحظه و نقد اثرات تغییر است که این مرحله، اثراتی را که تغییرات مداوم بر محیط دارند، ارزیابی می‌کند. مرحله‌ی سوم، به تصویر کشیدن آینده‌های ممکن گوناگون، مرحله‌ی چهارم، به تصویر کشیدن آینده‌های مرجح؛ ساختن مدل‌هایی ذهنی از آینده‌ی ایده‌آلی که علاقه‌ای برای ساخت آن وجود دارد، این امر نخستین مرحله در برنامه‌ریزی و رهبری تحولات است.

علی (ص) می‌فرماید: «أَفْئَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ». آفتِ گذران زندگی، برنامه‌ریزی نادرست

است (محمدی ری شهری، ۲۰۲۰: ۱۳۹۰).

مرحله‌ی پنجم، برنامه‌ریزی، تیم‌سازی و اجرای تغییر مورد علاقه است این پنج فعالیت، وابسته به هم هستند و داده‌ها و فعالیت از یکی به دیگری جریان می‌یابد و هنگامی بیشترین اثرگذاری را دارند که با هماهنگی با یکدیگر و در فرآیندی پیش‌رونده و مستمر انجام شوند (شولتز، ۱۹۹۷). بنابراین از طریق نظام پایش به بازخورد اقدام‌های انجام شده پرداخته می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش

بر اساس پژوهش‌های صورت‌گرفته در جهت کاربست آینده‌پژوهی اسلامی در مسایل اجتماعی با تمرکز بر این پرسش اصلی که چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی برای شناسایی آسیب‌های اجتماعی آینده‌ی جامعه ایران چیست؟، یافته‌های زیر حاصل شده است؛ در چارچوب آینده‌پژوهی اسلامی، چشم‌انداز آرمانی مبتنی بر مشارکت و حجم قابل توجه‌ای از عدم قطعیت‌ها می‌باشد. بنابراین می‌توان با تعیین چشم‌اندازی عملیاتی در یک افق زمانی مشخص، و تدوین راهبردهایی به تحقق آینده‌پژوهی اسلامی اندیشید. آنچه در این مسیر اهمیت دارد؛ حرکت براساس جهان‌بینی اسلامی و ایجاد جریان اجتماعی به منظور تحقق آینده‌پژوهی اسلامی و تدوین راهبردها است (عیوضی و پدرام، ۱۳۹۲).

این در حالی است که هر گونه پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی، شناخت و رفع آسیب‌های اجتماعی مستلزم اتخاذ رویکرد آینده‌پژوهی نسبت به آسیب‌های اجتماعی در یک چارچوب مبتنی بر نظام تدبیر است که عبارتند از:

الف - نظام تدبیر

۱. نظام پایش: نظام رصد مستمر محیطی به منظور تحصیل نظام‌مند اطلاعات،
۲. نظام اقدام: نظام مداخله‌ی هوشمندانه در قالب آگاهندگی و بازدارندگی،
۳. نظام بازخورد: نظام فراگیر انباشت نتایج فرایندی و فرآورده‌ای،

ب- نظام مسایل: مسایل و کانون‌های توجه و

ج- نظام اثر: نظام سلامت اجتماعی

لذا، مدل تدبیر در این پژوهش برای پیش‌بینی، کنترل و پیشگیری آسیب‌شناسی آینده بر سه پایه نظام پایش، اقدام و بازخورد قرار دارد که به عنوان ورودی «طرح راهبردی شورای تربیتی - تعلیمی آینده‌پژوهی در کنترل و پیشگیری آسیب‌های اجتماعی» می‌باشد.

۱-۵. نظام تدبیر با رویکرد اسلامی

مفهوم تدبیر در اسلام با استناد به آیات و روایات بسیاری اشاره شده است. آینده‌پژوهی از نگاه اسلام، دارای دو وجه اکتشافی و تجویزی است. وجه اکتشافی، سعی در واکاوی محیط محسوس، واکاوی محیط نامحسوس و ظرفیت‌های روحی و روانی انسان و جامعه برای تدبیر بهتر امور فردی و اجتماعی دارد و وجه تجویزی نیز برای ساخت آینده‌ی مطلوب، مستلزم نگاه به آینده‌پژوهی از زاویه‌ی دید اسلام، فراتر از سطح «روش و ابزار بررسی آینده» بوده و در خصوص «چرایی، محتوا و فلسفه‌ی بررسی آینده» و در حقیقت، جهت‌دهی به روش‌ها، ابزارها و فرآیندها بحث می‌کند، اما هم در جنبه‌ی اکتشافی آینده و هم در جنبه‌ی تجویزی آن، بر روش‌شناسی‌های منطقی و تدبیر همه‌جانبه در امور، تأکید دارد. در واقع اصلاح اجتماع، چیزی جز دینی‌تر شدن جامعه نیست در آیه‌ای که خداوند به پیامبر اکرم (ص) دستور داده که براساس احکام الهی جامعه را تدبیر کند، نه بر مبنای هواهای دیگر.

۲-۵. نظام پایش؛ اقدام و بازخورد از منظر آینده‌پژوهی اسلامی

از مهم‌ترین حوزه‌های مورد نیاز، پایش رویدادها و روندهای گذشته و حال است. در تعریف جامع و منطبق بر منطق این پژوهش که به ارزیابی و قضاوت محیط بیرونی ارتباط دارد؛ تعریفی با وسعت بیشتر از پایش و ارزشیابی و نیز پایش و تفسیر محیطی خواهد شد. پایش و ارزشیابی، فعالیت‌هایی هستند که کارکرد عمده‌ی آنها، تهیه‌ی اطلاعات مفید در زمان

مناسب، برای کاربران تصمیم‌گیر بوده و با هدف بهبود فرآیند تصمیم‌گیری به عنوان نتیجه انجام می‌شوند. پایش و تفسیر محیط، یک فعالیت هوشمندانه‌ی سازمانی است و سازمان‌ها همواره به دنبال اطلاعات هستند؛ اطلاعات در سازمان‌ها ذخیره، بازیافت و انتقال داده می‌شوند و از آن‌ها جهت تفسیر محیط، حل مسئله و تصمیم‌گیری استفاده می‌شود.

در طی مطالعات انجام شده‌ی چهار دهه انقلاب اسلامی از طریق پایش، ارزیابی و تفسیر محیط اجتماعی ایران، ۵۰ روند فعال با قدرت آینده‌نگری بالا و ۱۰ جوانه‌های تأثیرگذار بر جامعه‌ی ایران شناسایی شدند که می‌تواند تصمیم‌گیران را با گام‌های مهمتری به هدف هدایت کند. این مجموعه روندها و جوانه‌ها که با بافت اجتماعی ایران همسو می‌باشد، زمانی که با پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های آینده ترکیب می‌شوند؛ منجر به تولید مسایل اجتماعی مهمی در آینده خواهند شد و سناریوهای پیچیده و پر تحرکی را برای آینده رقم می‌زنند.

در اسلام، نظام پایش در چارچوب مطالعات اسلامی مبتنی بر منابع اصلی و فرعی بنا شده است؛ منابع اصلی به قرآن، سنت و سیره‌ی معصومین، اختصاص دارد و منابع فرعی عقل، اجماع و سایر فرآورده‌های معرفتی بشری است که از طریق عرفان، شهود و ادراکات درونی حاصل می‌شود.

برای ورود به بحث شناخت آسیب‌های اجتماعی آینده در یک نظام پایش و در چارچوب مطالعات اسلامی باید منابع معرفتی را به خوبی سازماندهی کرد. نظام پایش باید در همین گام اول در سطح قابل قبولی طراحی شود.

سطح اول: اصول، مبانی، منابع و نظریه‌های اسلامی در حوزه‌ی آینده و سطح دوم: آینده‌پژوهی منتج از دریافت‌های بشری و تجارب مبتنی بر عقلانیت خصوصاً در عرصه‌ی آینده‌پژوهی.

از آنجا که اغلب موضوعات آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف از حیث موضوعی در بسیاری از جهات مشترک است؛ لذا به میزان زیادی از این اشتراک موضوعی، باید از تجارب آینده‌پژوهی استفاده کرد.

در نظام اقدام نیز همین اشتراکات موضوعی، ظرفیت استفاده از تجارب دیگر جوامع را افزایش می‌دهد و اقدام مشترک در مصادیق مشترکی چون اعتیاد، اشتغال و ... را امکان‌پذیر می‌کند.

۳-۵. نظام اقدام از منظر اسلامی

یکی از مباحث مهم که در اسلام از اولویت بالایی برخوردار است؛ تأکید بر قاعده‌ی تقدم تربیت بر تعلیم و آموزش است. اگر این اصل را بپذیریم، قدری جریان مواجهه‌ی جامعه‌ی اسلامی با مقوله‌ی آسیب‌شناسی آینده بیشتر قابل فهم خواهد شد. چنانچه امام خمینی (ره) می‌فرماید: «شما می‌دانید، در طول تاریخی که ما و شما و ملت ما صدمت دیده است و وابستگی‌های کشور به حد اعلی رسیده بوده است، این فقط برای این بوده است که علم بوده است و تربیت اخلاقی، دینی و معنوی نبوده است. گرفتاری‌ها همه برای این است که اعوجاج اخلاقی و تهذیب نفس در کار نبوده است» (صحیفه امام، جلد ۱۶، ص ۴۹۵-۵۰۷).
اصولاً در نسبت بین تعلیم و تربیت دو فرض متصور است:

الف - تقد تربیت بر تعلیم

• یعنی راه هر گونه آموزش و تعلیم در نظام شناختی، گذار از تربیت است. اگر ابتدا انسان تربیت شود، مطمئن‌تر می‌تواند راه تعلیم و آموزش را طی نماید و از این آموزش‌ها، جامعه بهره‌مند شود. بسیاری از آسیب‌های امروز جامعه‌ی ایران این است که نظام شناختی حاکم بر جامعه بر پایه‌ی تعلیم است و آن هم متأسفانه پس از ۴ دهه از انقلاب متأثر از منابع، دیدگاه‌ها و شخصیت‌پردازی‌های آموزشی اقتباس از غرب است. بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز مختلف خصوصاً در علوم انسانی، ترجمانی از انتقال مفاهیم و داده‌های ترجمه شده هستند. از طرفی همه‌ی دغدغه‌ی والدین این است که فرزندان در تحصیل کمیت‌محور، رشد کنند و تنها به کسب رتبه اول و معدل بالا می‌اندیشند. از تربیت ضمن تعلیم، کاملاً غافل هستند و چندان تمایلی به صرف هزینه در این مسیر نیستند. شهریه‌های بسیاری را حتی با در تنگنا

قرار دادن شرایط معیشتی خانواده صرف کلاس‌های تقویتی و تست‌های نفس‌گیری می‌کنند که زایل‌کننده‌ی استعداد، قدرت یادگیری و تنها با هدف کسب معدل بالا است. نظام یادگیری در کنار والدین تنها به چیزی جز آموزش نمی‌اندیشند. در چنین شرایط اجتماعی، بین تربیت و تعلیم فاصله‌ای شکل می‌گیرد که پایه و اساس شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی در آینده می‌باشد.

• ضعف تربیت، مصادف با توسعه‌نیافتگی اخلاقی است. در واقع، عامل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی ایران ریشه در تقدم آموزش بر پرورش و یا تعلیم بر تربیت دارد. از این بابت جامعه دچار یک کج‌روی اخلاقی شده است و این در نظام پایش و اقدام برای آینده نشانه‌های خوبی را نشان نمی‌دهد. امروز حتی مسئله به حدی بر جامعه سیطره دارد که نظام مدیریتی کشور نیز از آن فاصله گرفته است. در جامعه‌ی امروز، مرجعیت اخلاقی برای اقشار مختلف اجتماعی کم‌رنگ شده است. اخلاق فردی و شخصیتی به یک نهاد یا نهادهای تشریفاتی و پرهزینه، اما کم‌ثمر تبدیل شده است. امروز در ایران، نظام چندپاره‌ی آموزشی که دچار بحران انتقال معانی است، تنها ارزش تلقی می‌شود. آموزشی که گرفتار تقلید، تحریف و تحمیل آن چیزی است که با آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی سازگار نیست. پس در چارچوب مطالعات اسلامی، باید یک اصل را مبنا قرار داد و آن هم حمایت از نظام پایش، اقدام و بازخورد از قالب‌های تربیتی به تعلیمی و آموزشی است.

ب - تقدم تعلیم بر تربیت

تقدم تعلیم بر تربیت، فرض دومی است که نتایج نامطلوب برای جامعه‌ی ایده‌آل انقلاب اسلامی را به دنبال دارد. این فرض عبارتست از: حمایت از نظام پایش، اقدام و بازخورد از قالب‌های آموزشی بر تربیتی که مصداق آن، حال امروز جامعه‌ی ایران است که قطعاً احتمال افزایش آسیب‌های اجتماعی آینده را افزایش می‌دهد.

با تأکید بر این دو سطح می‌توان، ارتباط بین نظام پایش، اقدام و بازخورد را با حوزه‌ی

آسیب‌های اجتماعی برقرار کرد و تحلیل جامعی از آن داشت.

در واقع، رویکرد پیشنهادی مدل طرشت این است که برای شناسایی آسیب‌های اجتماعی باید سطوح زیر را از هم تفکیک ساخت.

۱. اگر جامعه بخواهد مسیر تربیتی را از طریق تعلیم و آموزش، با این سبک و قاعده که کاملاً متمرکز به آموزشی تقلیدی است طی کند، چه سرنوشتی در انتظار خواهد بود و در آینده با چه آسیب‌هایی مواجه می‌شود؟ بروز چنین شرایطی، سطح مهمی از آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه‌ی امروز و فردای آینده‌ی ایران است.

۲. اگر جامعه بخواهد مسیر تعلیم و آموزش خود را از طریق نظام تربیتی طی کند و تربیت مقدم بر آموزش دیده شود، مطلوب‌های چنین سیاستی چه خواهد بود؟ در این رابطه، مطالب زیادی قابل طرح است که باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. یک سطح سومی هم می‌توان فرض کرد که عبارتست از توجه به آموزش محض؛ یعنی آموزشی که در آن تربیت و ابعاد معنوی دیده نمی‌شود.

مسئله این است که اگر همه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را در یادگیری خلاصه کرد؛ یادگیری حتماً نیاز به موضوع، شخصیت و غایت دارد، این سه مورد از دو پایه‌ی نظری و کاربردی تشکیل شده است؛ چه چیزی را باید آموخت و در چه راهی باید به کار برد و غایت این سلسله روابط موضوع شخصیت و غایت چیست؟

این از بحث‌های مهم روانشناسی شخصیت است که باید در یک نظام معنایی و دقیق تعلیم و تربیتی سازماندهی شود. پس آموزش برای آموزش، احتمال تولید مسایل منتهی به آسیب اجتماعی را افزایش می‌دهد. خصوصاً در جوامعی که از یک نظام آموزشی تقلیدی و اقتباسی عمل می‌کنند، شرایط بغرنج در تولید مسایل ایجاد خواهد داشت

به طور کلی در تربیت اسلامی، هدف غایی تربیت رسیدن به قرب الهی است. راه رسیدن به این هدف از مسیر تعلیم و تربیت امکان‌پذیر است. بحث دورکیم برای تبیین پدیده‌ی آسیب‌شناسی از دو لفظ نُرم (بهنجار) و اَنومی (نابهنجار) استفاده می‌کند (امیل دورکیم قواعد

، روش جامعه‌شناسی ص ۷۴). بروز ناهنجاری‌های رفتاری و عدم توجه به ارزش‌ها و انضباط اجتماعی، نشانه‌های نوعی خلأ در نظام تعلیم و تربیت است که تأثیرگذاری آموزش‌های ارائه شده در زمینه‌ی موضوعات اجتماعی را با تردید مواجه کرده است. لذا، برای اتخاذ راهبرد مهم پیشگیری، می‌توان با طراحی علمی برخی آموزش‌ها که دارای جذابیت است و بر اساس اصول، روش‌ها و مبانی درستی استوار است، در دانش‌آموزان مصونیت لازم را ایجاد کرد. با توجه به اینکه، اسلام به پیشگیری بیش از درمان و اصلاح اهتمام دارد؛ لذا نقش آموزش و پرورش در پیشگیری بی‌بدیل است و ترسیم الگوی تربیتی اسلام در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌تواند راهگشا باشد.

پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی راهبردهایی است که افراد جامعه قادر هستند، به صورت خودکنترلی از ارتکاب به آسیب پرهیز نمایند. تأکید بر تربیت و تغییر نگرش در آموزش و پرورش اسلامی، بدین معناست که تغییر در دانش باید در خدمت تربیت و تغییر نگرش باشد. به دیگر سخن، در آموزش و پرورش اسلامی، تربیت از تعلیم جدا نیست؛ بلکه هر دو، دو روی یک سکه‌اند. پس از انقلاب اسلامی بر تربیت دینی کودکان، نوجوانان و جوانان به عنوان یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی تأکیدهای فراوان شد؛ از این رو، انتظار می‌رفت که به این امر توجه شود، اما تحقیقات و تجربه‌ها نشان می‌دهد که به رغم همه‌ی تلاش‌ها متأسفانه بی‌رغبتی و بی‌تفاوتی قابل توجهی در این نسل، نسبت به مسائل تربیتی دیده می‌شود. بنابراین، در ورودی طرح اسلامی طرشت توجه شده است که تعلیم در شمار زیر شاخه‌های تربیت است. در نگرش اسلام، تربیت اسلامی علم آماده‌سازی انسان برای زندگی مطلوب و سودمند در دنیا و توشه‌ی راه آخرت است و پیشران اصلی در آسیب‌شناسی آینده‌ی اجتماعی است و باید در ارتقاء آن تلاش داشت.

در نظام پایش و اقدام طرح طرشت، شناخت و حل نیازهای فکری جامعه، تزکیه‌ی نفس و سلامت جامعه‌ی اسلامی و مدیریت بر مسایل اجتماعی همه وظیفه متولیان است. آنان باید در جهت تربیت مدیران و شهروندانی عدالت طلب، مسلح به اخلاق سلیم و تعصب سازنده

به حفظ جامعه و حراست از ناموس ملیت ایرانی و منافع عمومی آنها، امر به معروف و نهی از منکر اهتمام داشته باشند. باید تأکید داشت؛ ریشه‌ی اصلی و عامل انگیزشی امر به معروف و نهی از منکر، امر تربیتی است نه آموزشی. تحقق حس مسئولیت‌پذیری در اقدام نیز، با امر به معروف و نهی از منکر جنبه‌ی تربیتی دارد. نکته‌ی مهم این است که انسان نباید از معلم اخلاق زندگی خود جدا باشد؛ این معلم می‌تواند آموزگار، والدین، دوستان، اطرافیان و ... باشد. شاید، آموزش از راه دور و یادگیری امکان‌پذیر باشد و ایجاد فاصله خلل کمتری در امر آموزش به دنبال داشته باشد، اما در تربیت پیوستگی وجود دارد و فاصله‌ها می‌توانند، اثرات یک فرایند تربیتی را از بین ببرند؛ مانند جدایی باغبان از درختان که به پژمردگی گل‌ها منجر خواهد شد. باغبان زینت‌بخش زیبایی‌های طبیعت است و وظیفه‌ی پرورشی را بر عهده دارد. قرآن در آیه‌ی ۴۱ سوره احزاب، ارتباط دایمی با خداوند به عنوان معلم اخلاق و مربی دلسوز را ضمانتی در تربیت انسان می‌داند. انسان، همچون بذری است که باید رشد کند و مسیر هدایت و درستی را با مراقبت‌ها طی کند تا در آینده دیگران از آن بهره‌مند شوند. انسان در حرکت تکاملی خویش حد و اندازه‌ی ندارد و می‌تواند تا بی‌نهایت پیش رود؛ منوط به اینکه، فرایند تربیتی خوب عمل کند. پس با این نگرش به تعلیم است که معلمی در اسلام، شغل انبیا شناخته شده است. در طرح طرشت نیز برای شناسایی آسیب‌شناسی آینده‌ی مسایل اجتماعی، باید مدخل ورود به این سیستم بر تربیت متمرکز شود. اما این مسئله از ارزش تعلیم نمی‌کاهد؛ حتی می‌تواند ارزش‌ها و قابلیت‌های واقعی ظاهر و پنهان آموزش را به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگ‌پذیر و جامعه‌پذیر به نحو پر کاربردتری نشان دهد و از هدر رفتن ظرفیت‌های نظام آموزشی جلوگیری کند. تعلیم اگر با تربیت آمیخته شود؛ راه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی آینده گرفته می‌شود و مسایل آینده بر پایه‌ی منطق دینی، تحلیل صادقانه و قدرت اجتماعی هوشمندانه حل می‌شود. به تعبیر امام(ره) تعلیم باید پهلویش تربیت باشد. اگر تعلیم بدون تربیت باشد فایده ندارد، بلکه گاهی مضر است. تربیت بی‌تعلیم هم به نتیجه نمی‌رسد. این دو باید با هم باشند، توأم باشند، انسان یک موجودی است که با تربیت و تعلیم رشد

می‌کند (صحیفه نور ج ۸ ص ۵۱۴) پس در این طرح، تأکید بر این است که باید نظام متولی امور جامعه کوشش کنند که در درجه‌ی اول خودشان و سپس مردم تربیت شوند. از نتایج تربیتی اینکه، فضای سالمی برای کشت دانه‌های دانشی فراهم می‌شود و علم در اختیار انسان ساخته شده و خادم قرار می‌گیرد. چنین فضای معنا کاوانه بین تعلیم و تربیت، نکته‌ی مهم این طرح در نظام‌سازی پیش‌بینی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آینده است.

از این حیث، طرح طرشت بر نظام تربیتی - تعلیمی استوار است که پس از تشریح سه نظام پایش، اقدام و بازخورد، ورود به حوزه‌ی مسئله‌شناسی اجتماعی امکان‌پذیر است. از این مرحله هر گونه اکتشاف، توصیف، تبیین و ارزیابی به عنوان اهداف کلان طرح در کانون و محور فعالیت‌های مسئله‌شناختی قرار دارد. در این رابطه و با هدف شناسایی معیارهای اسلامی آینده‌پژوهی در شناخت آسیب‌های آینده، پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی در شناخت آسیب‌های اجتماعی و زمینه‌سازی شکل‌گیری و تحقق آنها مستلزم اتخاذ رویکرد پدیده شناختی نسبت به ابعاد مختلف اجتماعی است که به شرح زیر انجام می‌شود.

۱. ماهیت‌شناسی: به پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت، ماهیت، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد. در این رویکرد، ضمن برجسته‌سازی «متعالی‌ترین شکل مناسبات اجتماعی»، بر چشم‌انداز محوری (هدف‌مندی و جهت‌مندی)، سبک‌مندی (روش‌مندی)، زمان‌مندی (آینده‌ی نزدیک یا دور دست)، مکان‌مندی (منطقه جغرافیایی محدود یا وسیع)، و دستاوردمداری (کارکردمندی) تأکید می‌شود. مجموعه مسایل اجتماعی در این رویکرد از دو دسته مؤلفه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تشکیل می‌گردد. مؤلفه‌های نرم‌افزاری به عناصر ذهنی و معنوی مانند دین، فرهنگ، هنر و سایر ارزش‌های اجتماعی - اشاره دارد و مؤلفه‌های سخت‌افزاری مانند اقتصاد و فناوری است.

۲. علت‌شناسی: پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت علت یا علل رویدادی، وجودی و یا بقا‌پذیری آسیب‌های اجتماعی؛ در نظام تعلیمی و تربیتی آینده برخی مسایل اجتماعی ریشه در علت‌ها دارد. علت‌شناسی به معنای پردازش، اکتشاف، توصیف،

تبیین، ارزیابی و شناخت علت یا علل رویدادهای اجتماعی است که منجر به آسیب‌های اجتماعی حال و آینده می‌شود. اسلام سیر حرکت اجتماعی را هدفمند دانسته و مهم‌تر این‌که، برای مواجهه با تمامی مسایل اجتماعی، دغدغه‌مندانه بسته‌های هدایتی و نقشه‌ی راهنما دارد. وجود مجموعه توجهات دین به زندگی اجتماعی، موجب امید به آینده‌ی روشن شده و انگیزه‌ی درونی مضاعفی برای ارتقاء سطح جامعه‌پذیری، مشارکت اجتماعی، تلاش و استقامت به انسان می‌بخشد. اسلام، انسان‌ها را به شناخت علت‌های شکل‌گیری رویدادهای خوب و بد زندگی فرا می‌خواند؛ تا نه تنها، به حل بهتر مسائل زندگی خود موفق شوند؛ بلکه در جایگاه شهروندی، عامل محرکه‌ای در سلامت جامعه و خیر و برکت به دیگران باشند. این معنای کمال واقعی است و پیش‌درآمدی بر جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی آینده می‌باشد.

۳. کارکرد شناسی: هر گونه پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت

عملکردها، کارکردها و نقش‌های ناشی از پدیده‌های نوظهور بسترساز آسیب‌های اجتماعی است. توضیح اینکه، بُعدی از مسایل اجتماعی که امکان تبدیل شدن به آسیب اجتماعی در آینده را دارد ناشی از عملکردها، رفتارها و کارکردهای اجتماعی افراد است. به عنوان مثال، اختلاس ناشی از سوء استفاده از موقعیت شغلی و مسئولیتی یک مسئله‌ی اجتماعی کارکردی است که جامعه را با آسیب مواجه می‌کند. دکتر سیف‌اللهی مفهوم مسئله‌ی اجتماعی را این‌گونه بیان می‌نماید: «امور و پدیده‌هایی که موجب تنش‌ها و ناسازگاری‌های اجتماعی گردیده و به نحوی از انحاء، جامعه یا زندگی افراد جامعه را مورد تهدید و تضعیف قرار دهد. مانند بی‌سوادی، بیکاری، تورم اقتصادی، اعتیاد، افسردگی، برخوردهای فیزیکی بین افراد جامعه، بی‌عدالتی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، سرقت، طلاق، توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی، عدم امنیت فردی، اجتماعی و سیاسی و ...» (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۴۱). یکی از جدی‌ترین مسایل اجتماعی در عملکرد مدیران یا دیگر افراد ذی‌نفع است. چنین رفتاری وقتی تبدیل به یک رویه‌ی اجتماعی و مدیریتی شود؛ به مراتب عمق و سرعت آسیب‌های اجتماعی را بیشتر می‌کند. بدیهی است، نتایج و پیامدهای تهدیدسازی جامعه‌ی در بستر اختلاس را

پوشش می‌دهد؛ از جمله، کاهش سطح زندگی دیگر شهروندان اجتماعی، گسترش بیکاری ناشی از ناپایداری شغلی، کاهش امید به زندگی، فقر و حاشیه‌نشینی، بی‌اعتمادی به کلیت نظام مدیریتی کشور و ... بنابراین یک مسئله‌ی اجتماعی مانند اختلاس از زوایای مختلف و مهمی جامعه را درگیر آسیب‌های سخت اجتماعی می‌کند و به سایر لایه‌های اجتماعی چون ویروس واگیری نفوذ می‌کند. مهم این است که کارکرد سیستمی انقلاب اسلامی، برای بقا کارویژه‌های تعالی‌بخش داشته باشد تا کارکردهای سیستمی ضد ارزشهای انقلاب اسلامی امکان حضور در جامعه را به دست نیاورد. انقلاب اسلامی با اعتقاد به اصل شفافیت، قاطعیت، اسلامیت به پیروزی رسید و اگر این خصایص ویژه را از دست بدهد، مهم‌ترین سرمایه‌ها را برای ادامه‌ی راه نابود خواهد کرد. این در حالی است که برخی از مسایل کارکردی برای یک جامعه‌ی مطلوب انقلابی برای آینده عبارتند از: استانداردسازی رفتار اسلامی در کارکردها، هر رفتاری که بر مبنای اسلامی قرار دارد، باید شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه‌ی خود قرار دهد، نهادینه‌شدن عقلانیت، انتظام‌بخشی اجتماعی، بسترسازی برای خلاقیت و نوآوری، وحدت و یکپارچه‌سازی و ارائه‌ی سبک زندگی اسلامی - ایرانی.

۴. پیامدشناسی: پیامدشناسی به هر گونه پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت آثار و پیامدهای آسیب‌های اجتماعی بر محیط، انسان و سایر پدیده‌های اجتماعی اشاره دارد. در شرایطی مسایل اجتماعی، ناشی از پیامدهایی از روندها و فرایندهای گذشته می‌باشد که باید شناسایی و از تجارب آن استفاده شود. چنین روندهایی می‌تواند، به میزان بسیاری تصاویری از آینده را پیش‌بینی کند و جامعه در حال و آینده را گرفتار می‌کند. پیامدشناسی مسایل اجتماعی به پیامدهای ناشی از روندها و رویدادهای در گذشته که به سراغ جامعه می‌آید و آن را درگیر آسیب و تهدید می‌کند، می‌پردازد. لذا هر گونه پیامدهای دور از انتظار که در جامعه خللی وارد کند و یا در آنها نشانک‌هایی مبنی بر ایجاد خلل مشاهده شود، هشدار است برای آینده و مسایل اجتماعی آن. لذا، انتظار از یک جامعه‌ی مطلوب این است که با برخورداری از چشم‌انداز راهبردی و کاربردی در چارچوب اسلامی، نسبت به انسان،

محیط و سایر پدیده‌ها، ضمن حفظ ظرفیت‌های تداوم‌بخش، متضمن پیشرفت، توسعه، رفاه، آسایش و پیامدهای مثبت و تعالی بخشی باشد. در آموزه‌های دینی به تأثیر نظام سیستمی آفرینش بر ساخت آینده‌ها به طور خوشبینانه تأکید دارد. تأکیدات قرآنی نسبت به پیامدهای اعمال و سرنوشت گذشتگان نشان می‌دهد که خداوند به اعمال، رفتار و نتیجه‌ی کارها امتیاز می‌دهد و نه شعار بی‌عمل و خواب‌بی‌ثمر.

۵. فرآیندشناسی: عبارت است از هر گونه پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت مسایل اجتماعی و مراحل پیوسته و نظام‌مند شکل‌گیری و ظهور آسیب‌های اجتماعی. منظور از فرآیندشناسی مسایل اجتماعی این است که برخی مسایل ناشی از سیر حرکت خطی و رو به جلو جامعه است. در مسیر حرکت خطی و افقی، جامعه درگیر رویدادها، روندها و گذرگاه‌های مختلف می‌شود که تولید مسئله می‌کند. مروری به گذشته نشان می‌دهد؛ بخشی از مسایل اجتماعی انقلاب ناشی از فرایندها بوده است که با تولید روندهای چالشی، منشأ بسیاری از مسایل اجتماعی شده است. توضیح و تشریح فرایندی انقلاب اسلامی، از این حیث دارای اهمیت است که انقلاب به مجموعه‌ی شبکه‌ای از ظرفیت‌های اجتماعی امکان حضور داد که در جای خود نوآوری و خلاقانه بود. فرایند انقلاب اسلامی نفی استکبار بود و چشم‌انداز آرمانی جامعه‌ی مهدوی، رهبری الهی، پویایی دایمی و ساخت‌سازنده‌ی انسان در تغییرات حتمی و غیر ایستای آینده. بنابراین انتظار می‌رود در استمرار فرایند انقلاب اسلامی خصوصاً در دهه‌ی پنجم، به شبکه‌ای نگرستن به فرایندها توجه شود، تا از بروز فرایندهایی که منجر به جدایی جامعه از دستاوردهای انقلاب می‌شود، جلوگیری شود. یکی از مسایل مهم شکاف بین نظام و ملت، تعارض در دو فرایند حاکمیت و مردم است که زمانی در تقابل قرار گیرد، جامعه را با آسیب مواجه خواهد کرد. جامعه با اولویت دادن به تقدم تربیت به عنوان یک حرکت دایمی اصلاحی از بیرون و حاکمیتی از درون نیاز دارد تا در آینده مواجه با آسیب اجتماعی نشود. همچنین در آینده‌ی انقلاب اسلامی باز تعریف هویت، تدوین چشم‌انداز، تأکید بر سلسله اقدامات و راهبردهای شکل‌دهنده‌ی آینده‌ی مطلوب، تأکید بر حاکمیت حکمرانی

مطلوب از الزامات مسئله‌ساز در فرایندشناختی آینده است.

۶. روندشناسی: برخی مسایل اجتماعی ریشه در روندهای گذشته یا جاری دارند و هر گونه پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت الگوی تغییر منظم روندها در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی مؤثر است. مسایل اجتماعی از این منظر با ریشه‌های دینی جامعه‌ی ایران ارتباط دارند.

با توجه به آموزه‌های دینی، شکل‌گیری آینده صرفاً در بستر اراده‌ی الهی قابل بررسی است. به عبارت دیگر در اسلام، گزاره‌ی مهم‌تر از آنچه آینده‌پژوهان غربی از عوامل شکل‌دهنده‌ی آینده مطرح می‌کنند، طرح می‌شود و آن «اراده‌ی الهی» است. بنابراین، علیرغم بسیج منابع، امکانات و تلاش‌های بشری به منظور تحقق امری در آینده، فصل‌الخطاب برای شکل‌گیری آینده، اراده‌ی الهی خواهد بود. این گزاره، فقط در جهان‌بینی اسلامی قابل فهم و تحلیل می‌باشد (عظیمی، ۱۳۸۸). بر این اساس، روندهای اجتماعی در جامعه‌ی ایران، بی‌اذن و اراده‌ی الهی امکان حضور ندارد. چنین نگرشی به مسایل اجتماعی، متأثر از اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداوند باید تحلیل شود. یکی از ضعف‌های موجود در تحلیل مسایل اجتماعی ایران که آسیب‌های بالقوه‌ای برای آینده را به دنبال خواهد داشت، کم‌رنگ‌شدن این نگرش و حیانی در تحولات ایران است. قطعاً، چنین وضعیتی به گسترش تمایلات سکولاریستی در ایران منجر خواهد شد و به آسیب‌های ماهیتی منجر می‌شود. باید بررسی کرد که در چهار دهه‌ی انقلاب اسلامی، روندهای گذشته منتهی به چه مسایل اجتماعی شده است و یا بر چه مصادیقی تأکید داشته است. بنابراین، آینده در شرف تحولات مهمی در حوزه‌ی روندهای ناشی از چهار دهه انقلاب اسلامی است که با پیش‌نگری در جهت مبانی زیر بنایی انقلاب، باید این روندها را هدایت کرد. یکی از راه‌کارهای مهم که در چارچوب طرح طرشت قابل پیگیری است؛ ساخت روندهای انقلابی و قدرت‌راندن رقیب است.

۷. ساختارشناسی: برخی مسایل اجتماعی ناشی از ضعف ساختاری و ناکارآمدی نهادهای اجتماعی، پیکربندی آسیب‌های اجتماعی آینده را سبب می‌شود. لذا هر گونه

پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت ساختارها مستلزم درکی از مسایل اجتماعی است. ساختار جمهوری اسلامی مستلزم «پیوند مستحکم میان یک چشم‌انداز جهانی و دیرینه‌شناسی یک نظام تاریخی» است. دین اسلام به دلیل جامعیت در هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی از ظرفیت تأمین تمامی الزامات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برخوردار می‌باشد. برهم خوردن این پیوستگی موجب شکاف در ساختار و کارگزاران جامعه شده و وحدت اجتماعی را مختل می‌کند. یکی از مسایل اجتماعی در بعد ساختاری، ناتوانی نهادهای ساختارمند در نظام است که به هر دلیلی از کارآیی لازم برخوردار نباشند. امروز مهم‌ترین آسیب‌ها، نه در سطح فردی جامعه بلکه در سطح نهادی به چشم می‌خورد و بازتاب چنین آسیبی به متن جامعه باز می‌گردد و اقشار مختلف اجتماعی خصوصاً، اقشار آسیب‌پذیر را مبتلای مصیبت‌های خود می‌کند.

۸. مکان‌شناسی: مکان‌شناسی، یعنی شناخت موقعیت مکانی آینده و مسایل مرتبط با آن می‌باشد. برخی از آسیب‌های اجتماعی، ناشی از مسایلی هستند که به لحاظ شرایط و مقتضیات مکانی رخ می‌دهند و هرگونه پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت مکان و فضای جغرافیای به کشف برخی از آسیب‌های اجتماعی می‌انجامد. بنابراین مکان‌یابی و محیط اجتماعی، محور شکل‌گیری برخی از مسایل اجتماعی می‌تواند، باشد. اینکه، این محیط چگونه محیطی است و چه ویژگی‌هایی دارد، بسیار مهم است. آینده‌پژوهی، ضرورت مسئله‌شناسی در چارچوب موقعیت مکانی یک جامعه را نشان می‌دهد. در آینده‌پژوهی اسلامی، موقعیت مکانی و محیطی از جمله وسعت سرزمین، کمیت و کیفیت جمعیت، امکانات نظامی، اقتدار سیاسی، امکان نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی، منابع طبیعی، سرمایه‌ی اجتماعی و شرایط ژئوپولیتیک مورد تأکید قرار دارد.

۹. زمان‌شناسی: منظور پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت زمان شکل‌گیری، وقوع و استقرار آسیب‌های اجتماعی است. بسیاری از مسایل اجتماعی ناشی از مقتضیات زمان و مکان هستند. در دهه‌ی پنجم انقلاب اسلامی، مسئله‌کاوی از انقلاب

اسلامی نشان می‌دهد؛ تجربه نقش زمان‌ها و مکان‌های گذشته متغیر مهمی در ایجاد تغییرات اجتماعی بوده است. شرایط امروز نیز همان چشم‌انداز به آینده را پیش‌بینی می‌کند. یعنی آینده به مثابه‌ی «زمان»، انقلاب اسلامی را به مسایل اجتناب‌ناپذیری که ریشه در شرایط زمانی آینده دارد را فرا می‌خواند. زمان، جامعه را محکوم به پذیرش اجباری بسیاری از رویدادها می‌کند. این تهدید زمانی جدی خواهد بود که مسئولین و جامعه با توجیه جبر زمانه به مرور از دستاوردهای انقلاب فاصله بگیرند. شاید این جمله را بارها از مسئولین و نهادهای متولی انقلاب اسلامی شنیده و یا دیده باشیم که گفته می‌شود؛ شرایط ایجاب می‌کند که به فلان سیاست‌های انفعالی که نباید تن داد، عمل نماییم. تهدید در جایی است که این توجیه، توأم با چاره‌اندیشی نباشد و از مقاومت هوشمندانه عاری شود و به تسلیم تدریجی منجر شود. این مسئله، می‌تواند در آینده تا جایی پیش رود که ناتوانی در مدیریت بر اقتضات زمانه به ناتوانی در بازسازی، شکل‌گیری و ظهور ارزش‌های اسلامی - ایرانی در مواجهه با فرهنگ جهانی‌سازی تبدیل شود. در این اوضاع بدون تردید، برون‌داد تعامل و برهم‌کنش ارکان شکل‌گیری آینده از جمله روندها، رویدادها، تصاویر و اقدامات به آسیب اجتماعی منتهی می‌شود. در این شرایط، به دلیل عدم امکان محاسبه‌ی ظرفیت موجود در مواجهه با زمان‌شناسی درست و به موقع از مسایل اجتماعی و مدیریت بر ارکان آن، امکان ارائه‌ی زمانمندی شکل‌گیری، ظهور و استقرار گفتمان انقلاب اسلامی میسر نمی‌باشد. از این حیث، مسایل مربوط به زمان‌شناسی انقلاب اسلامی همیشه مورد توجه آینده‌پژوهی اسلامی قرار دارد. به تعبیر قرآن کریم، مسئله‌ی زمان از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند به آن قسم یاد کرده است. پس انسان مؤمن نباید زمان، را با مصلحت‌های به ظاهر توجیه‌پذیر معامله کند. در اسلام برای مواجهه با هر کنش‌گری، راه‌کارهای سازنده‌ای وجود دارد که می‌تواند، هر شرایط را به فرصتی برای سالم سازی جامعه تبدیل نماید. ضعف در مواجهه با مسایل ناشی از مقتضیات زمانی، جامعه را به تدریج با آسیب‌های جبران‌ناپذیر مواجه می‌کند. برای آینده‌شناسی آسیب‌های اجتماعی باید به زمان‌شناسی آینده به شکل جامعی توجه داشت. رود به تونل تاریک آینده را باید با شمع

فروزان و حیانی و عقلانیت روشن کرد تا به نجات جامعه بیانجامد.

۱۰. تکامل‌شناسی: اصل تکامل اجتماعی مسئله‌ای است که با سرشت ذاتی یک جامعه‌ی اسلامی همسو می‌باشد. یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها، تأکید بر دو واژه‌ی تکامل و تعالی است. در واقع یکی از رسالت‌های انقلاب اسلامی که از چرخه‌ی حیات دینی برخوردار می‌باشد، عبارت است از: مرحله‌ی شکل‌گیری (نوسازی، بازسازی، بازپروری)، مرحله‌ی ظهور (تبلور، بازنمایی، معرفی)، مرحله‌ی رشد (پیشرفت)، مرحله‌ی تکامل (بلوغ)، مرحله‌ی تثبیت (استقرار، نهادینه‌شدگی) و مرحله‌ی عمومیت (فراگیری، جهان‌شمولیت). بعد دیگری از تکامل‌گرایی بروز و ظهور شناخت و معرفت در رفتار ظاهری اجتماعی است؛ یعنی تکامل جامعه اسلامی منوط به تربیت اجتماعی است. انسان فطرتاً گرایش به کمال‌جویی دارد و تلاش می‌کند در این مسیر حرکت نماید، اگر چه در تشخیص مصادیق کمال دچار اشتباه می‌شود و حس کمال خواهی از درون با تعارض درونی مواجه می‌شود و همین انحراف به یک مسئله‌ی اجتماعی در آینده منجر خواهد شد. تکامل‌شناسی به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی به پردازش، اکتشاف، توصیف، تبیین، ارزیابی و شناخت چرخه‌ی حیات اجتماعی و سیر تکوین، تحول و رشد جامعه‌ی ایران و گفتمان انقلاب اسلامی در آینده توجه دارد.

۴-۵. نظام اثر

جامعه به عنوان منبع قدرت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین، مهم‌ترین و حساس‌ترین ظرفیت‌های هر نظام و ساختار قدرت تلقی می‌شود، از این حیث سلامت جامعه به منزله‌ی سلامت کلیت یک نظام است. شاخص سلامت هر نظام را سلامت اجتماعی نشان می‌دهد که در آن عوامل اجتماعی نقش مؤثری دارند. از سویی، ابعاد مختلف سلامت جامعه بر یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند. ابعاد روانی، اقتصادی، سیاسی، بدنی و اجتماعی در سلامت اجتماعی در شرایط خاص، بازیگران مهمی محسوب می‌شوند و هر کدام بر دیگری تأثیرگذار هستند؛ برای مثال یک اتفاق سیاسی یا اقتصادی مهم در جامعه و یا یک مسابقه‌ی ورزشی و ...

می‌تواند، سلامت روان افراد آن جامعه را تحت تأثیر قرار دهد یا شیوع یک بیماری مانند کرونا می‌تواند، زیرساخت‌های اقتصادی را در معرض تهدید قرار دهد. به طور مثال، کاهش نرخ بیکاری می‌تواند به کاهش فقر، خشونت، افسردگی و علائم اضطراب جامعه کمک کند. ضعف در یک ساختار متولی سلامت می‌تواند بر عملکرد سایر ساختارهای فعال در این زمینه تأثیرگذار باشد. اما در سلامت اجتماعی، عوامل اجتماعی مؤثرند و ابعاد اجتماعی نیز بیشتر از ابعاد فردی مورد توجه قرار می‌گیرد. ابعاد روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جسمی در سلامت اجتماعی هر کدام بر دیگری تأثیرگذار می‌باشد. در این رابطه، تمامی ابعاد سلامت اجتماعی باید در فرایند مدیریت آسیب‌های اجتماعی لحاظ گردیده و توازن و تعادل راهبردی آنها حفظ شود. بنابراین از یک منظر، سلامت اجتماعی به معنای توانایی تعامل با انسان‌ها و محیط، با هدف ایجاد ارتباط رضایت‌بخش بین فردی است. جهت تشریح موضوع به برخی از زیرمجموعه‌های سلامت اجتماعی مانند احترام گذاشتن به دیگران، مسئولیت در قبال جامعه و ... اشاره می‌شود.

نظام اثر به عنوان خروجی طرح طرشت پس از گذار از مسیر پیچیده مسایل اجتماعی به یک جامعه‌ی سالم در آینده می‌اندیشد. در راستای تعیین شاخص‌ها و ملاک‌های آسیب اجتماعی، در این پژوهش در نظام اثر، در ذیل سلامت اجتماعی و جامعه‌ی سالم برای سلامت اجتماعی به چهار بعد فعال اشاره خواهد شد.

بعد اول سلامت: داشتن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های لازمی است که بتواند عملکرد اجتماعی افراد را در جهت تأمین اهداف مطلوب و مورد نظر تضمین نماید.

بعد دوم سلامت: با توجه و تأکید بر هنجارها و رفتارهای اخلاقی و ارزشی ارزیابی می‌شود. جامعه قادر باشد؛ سلامت هنجاری، رفتاری و مقاومت در برابر ناهنجاری‌ها و بدرفتاری‌ها را در خود مدیریت نماید.

بعد سوم سلامت: داشتن شخصیت اخلاق‌مدار شهروندی است. شناخت صحیح وظایف محول اجتماعی و سایر مسئولیت‌ها همراه با تدبیر و تدبیر در قبال مسئولیت‌های خود، نسبت

به مسائلی که در آینده به وقوع خواهند پیوست.

بعد چهارم سلامت: داشتن شکوفایی، بالندگی و ارتقای جایگاه فعلی خود در مواجهه با پدیده‌ها و مسایل آینده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای تحقق ابعاد مختلف آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه‌ی اسلامی، نوعی دیده‌بانی اجتماعی و رصد آینده ضرورت می‌یابد. اگر به هر دلیل، آینده و اقتضانات آن نادیده گرفته شود و صرفاً با اتخاذ رویکرد روزمرگی، به عملکردهای در زمان حال پرداخته شود، پاسخ‌گویی به مسائل عمیق و ریشه‌دار آینده فراموش خواهد شد. امروزه با سرعت وقوع تغییرات، مسائل اجتماعی متعددی مبتلا به جامعه از حد و اندازه‌های عادی خارج خواهد شد. چرا که مهم‌ترین عامل مولد «مسائل»، تغییرات اجتماعی است. خاصیت فرایندی تغییرات اجتماعی این است که از گذشته شروع و از مرز حال عبور می‌کند و با شتاب فزاینده و حرکت رو به جلو در آینده ادامه خواهد داشت. عدم توجه به آینده و تغییرات پیش‌بینی نشده‌ی آن، سلامت جامعه را به چالش می‌کشد و به بحران تبدیل می‌کند. از این‌رو، بعد مهمی از سلامت اجتماعی رصد مسایل آینده است، در یک نظام پایش، اقدام و بازخورد امکان‌پذیر است.

یکی از مهم‌ترین مفروضات آینده‌پژوهی، نگاه طیفی و کثرت‌گرا به حوزه‌ی سلامت است. به عبارت دقیق‌تر، در آینده‌پژوهی تنها با یک جز از کلیت نظام سلامت روبرو نیستیم؛ بلکه همواره طیفی از حوزه‌های سلامت از جمله سیاسی، اقتصادی، قضایی، امنیتی، فرهنگی و ...، مد نظر آینده‌پژوهان است. خصوصاً با نگرش آینده‌پژوهی اسلامی که انسان را چند بعدی و برای او شخصیت اکثریتی قایل است. به تعبیری انسان خلیفه‌ی خدا و موضوع توسعه، تعالی و کمال‌خواهی است و موضوع سلامت در رابطه با چنین انسان اجتماعی شده، در این ابعاد تعریف خواهد شد. آینده‌پژوهان با ارائه‌ی توصیف‌ها و تجویزهایی در خصوص آینده‌ی سلامت اجتماعی، شرایطی را مهیا می‌کنند که بتوان از طیف آینده‌های بدیلی که پیش رو قرار دارند،

یکی را انتخاب کنند. انتخابی که زمینه‌ی رفتار کنش‌گرانه و پیش‌دستانه را فراهم کند و از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. آسیب‌هایی که ریشه در مسایل مبتلا به سلامت جامعه دارد. اما مبانی این انتخاب، داشتن تصویری از آینده است (عیوضی، ۱۳۹۵، ۱۷۹). مروری به طرح طرشت و خروجی آن نشان می‌دهد که آینده پژوه، مواجهه با چالش‌هایی در حال و فرصت‌هایی برای آینده است که باید کنترل شوند.



منابع و ماخذ

- قرآن کریم
- خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، جلد ۱۶
- دورکیم، امیل (۱۳۷۳)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- سیف‌اللهی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، تهران: موسسه انتشارات جامعه‌پژوهان سینا.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۱)، آینده‌پژوهی و مطالعات دینی، دومانه‌نامه فارابی، شماره ۲۷، خرداد و تیر،
- عظیمی، سید علی اکبر (۱۳۸۸)، بازنگری دستگاه نظری آینده‌پژوهی در جهان‌بینی اسلامی، فصلنامه انتظار موعود، سال ۹، شماره ۲۹
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸/الف)، ضرورت آینده‌پژوهی در مطالعات دینی، کتاب ماه دین (گزارشی از یک نشست: آینده‌پژوهی و مطالعات دینی)، شماره ۱۴۴
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸/ب) آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم و پدرام، عبدالرحیم (۱۳۹۲)، راهبردهای تحقق آینده‌پژوهی اسلامی، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، سال دوم، شماره ششم، ۱۰۳-۱۲۲.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۷)، معیاری بر شناسایی آسیب‌ها با تأکید بر آسیب‌شناسی آینده مسائل اجتماعی، فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳- شماره پیاپی ۳، ۱-۲۸.
- عیوضی محمد رحیم و اینانلو، سلیمان (۱۳۹۸)، شناسایی عوامل و روندهای مؤثر چالش‌های اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در ۱۵ سال آینده، فصلنامه علمی امنیت ملی، دوره ۹، شماره ۳۲، ۲۹۷-۳۲۹.

- قیومی عباسعلی و نادری‌نیا، فرشاد (۱۳۹۱)، نقش آینده‌پژوهی در کاهش آسیب‌های فرهنگی، همایش هجوم خاموش، جهاد دانشگاهی، ۲۶-۳۶
- کردان، علیمحمد (۱۳۷۸)، فلسفه تعلیم و تربیت (جلد ۱)، تهران: انتشارات سمت.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰)، دانشنامه قرآن و حدیث (جلد پنجم)، قم: انتشارات دارالحدیث.
- مطلبی، مسعود؛ کرمی، داود و حسینی، سید محمدرضا (۱۳۹۵)، آینده‌پژوهی در مدیریت تهدیدات و آسیب‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی، فصلنامه علمی دانش انتظامی زنجان، شماره ۲۱، ۹۹-۱۲۵.

- Dator, James (1996). Futures Studies as Applied Knowledge. In Richard A. Slaughter, *New Thinking for a New Millennium*. Routledge, 1996.
- Kuosa, Tuomo (2009): *Practicing Strategic Foresight in Government: Cases of Finland, Singapore and European Union*. RSIS Monograph No. 19. S. Rajaratnam School of International studies of Nanyang Technological University, Singapore. Booksmith.
- Rwomire, A. (2001) *Social Problems in Africa: New Visions*, Westport, Conn: Praeger.

References

- Azimi, Seyed Ali Akbar (2009), A Review of the Theoretical System of Futures studies in the Islamic Worldview, Quarterly Journal of the Promised Waiting, Volume 9, Number 29, 83-110 (In Persian)
- Dator, James(1996). Futures Studies as Applied Knowledge. In Richard A. Slaughter, New Thinking for a New Millennium. Routledge, 1996.
- Eivazi, Mohammad Rahim (2012), Futures studies and Religious Studies, Farabi Bimonthly, No. 27, June and July, Volume 10-18 (In Persian)
- Eivazi, Mohammad Rahim (2009 / A), The Necessity of Future Research in Religious Studies, Book of the Month of Religion (Report from a meeting: Futurology and Religious Studies), No. 144. (In Persian)
- Eivazi, Mohammad Rahim (2009 / b) Pathology of the Islamic Revolution, Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Eivazi, Mohammad Rahim and Pedram, Abdolrahim (2013), Strategies for Realizing the Future of Islamic Research, Quarterly Journal of Future Studies, Second Year, No. 6, 103-122. (In Persian)
- Eivazi, Mohammad Rahim (2018), A criterion for identifying injuries with emphasis on the future pathology of social issues, Quarterly Journal of Islamic Studies of Social Injuries, Volume 1, Number 3 - Consecutive Issue 3, 1-28. (In Persian)
- Eivazi Mohammad Rahim and Inanloo, Soleiman (2019), Identifying the Effective Factors and Trends of the Social Challenges of the Islamic Republic of Iran in the Next 15 Years, National Quarterly Journal of National Security, Volume 9, Number 32, 297-329. (In Persian)

- Émile Durkheim David (1994), *The Rules of Sociological Method*, translated by Dr. Ali Mohammad Kardan, Tehran: University of Tehran Press, fifth edition. (In Persian)
- Kardan, Ali Mohammad (1999), *Philosophy of Education (Volume 1)*, Tehran: Samat Publications. (In Persian)
- Khomeini, R. (2001) *Sahifeh-ye Imam (Vol.6)*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House (In Persian) (In Persian)
- Kuosa, Tuomo (2009): *Practicing Strategic Foresight in Government: Cases of Finland, Singapore and European Union*. RSIS Monograph No. 19. S. Rajaratnam School of International studies of Nanyang Technological University, Singapore. Booksmith.
- Matlabi, Massoud; Karami, Davood and Hosseini, Seyed Mohammad Reza (2016), *Future Research in Management of Threats and Injuries of Iranian-Islamic Lifestyle*, Zanzan Law Enforcement Quarterly, No. 21, 99-125. (In Persian)
- Mohammadi Riheshahri, Mohammad (2011), *Encyclopedia of Quran and Hadith (Volume 5)*, Qom: Dar al-Hadith Publications. (In Persian)
- Qayyumi Abbas Ali and Naderinia, Farshad (2012), *The role of future research in reducing cultural harms*, Conference on Silent Invasion, Academic Center for Education, Culture and Research, 26-26. (In Persian)
- Saifullah, Saifullah (2002), *Sociology of Social Issues in Iran*, Tehran: Sina Sociologists Research Institute. (In Persian)
- Rwomire, A. (2001) *Social Problems in Africa: New Visions*, Westport, Conn: Praeger.